درمکتب امام

از همین گریه‌ها می‌ترسند

امام حسین با عده کم همه چیزش را فدای اسلام کرد؛ مقابل یک امپراتوری بزرگ ایستاد و «نه» گفت؛ هر روز باید در هر جا این «نه» محفوظ بماند. و این مجالسی که هست مجالسی است که دنبال همین است که این «نه» را محفوظ بدارد. بچه‌ها و جوانهای ما خیال نکنند که مسئله، مسئله «ملت گریه» است؛ این را دیگران القا کردند به شماها که بگویید «ملت گریه»! آنها از همین گریه‌ها می‌ترسند، برای اینکه گریه‌ای است که گریه بر مظلوم است؛ فریاد مقابل ظالم است.

صحیفه امام؛ ج۱۰؛ ص۲۱۵ | قم؛ ۳۰ مهر ۱۳۵۸

الگوهای ماندگار

محمدهادی صحرایی

«شـــهیدان رجایی و باهنر دو شهید فرهنگی، مبارز و والا مقام بودند که... در نهایت شهید رجایی به عنوان رئیس‌جمهور لایق و مکتبی و دکتر باهنر به عنوان نخست‌وزیر اندیشمند به دست منافقین کوردل به شهادت رسیدند، اما نام و یاد و سیره زندگی آنها برای همه مردم ماندگار است... استقامت، ایستادگی، تواضع و خضوع این دو شهید در برابر مردم و پاکی آنها فراموش شدنی نیست و مردم آنها را هرگز از یاد نخواهند برد و برای دولتمردان نیز این شهیدان الگو بودند و خواهند بود.»[۱]

قطعه قبلی، سخنان رئیس‌جمهور در تجلیل از مقام شهیدان رجایی و باهنر است که در هفته گذشته بیان شد. سخنانی صحیح و گویای این نکته که دولتِ مردان خدایی اگر ۲۸ روز هم که باشد می‌تواند الگوی دهها سال دولت داری و مردم داری پاک و صالحی باشد که مورد نظر انقلاب است و بیانگر این نکته که الگوهای صحیح، هیچ‌گاه کهنگی برنمی دارند و رنگ نمی‌بازند. آیت، دیالمه، چمران، بهشتی و... همگی مردان قضا و تقنین و دولتی هستند که «برای همیشه به عنوان شخصیت‌های بارز در تاریخ، جاودان خواهند ماند و مردم خدمات آنها را فراموش نخواهند کرد.»[۲] در مقابل این چهره‌های درخشان و مشعشع، کسانی نیز بوده و هستند که چندصباح خدمت و امانت اعتماد مردم را طعمه‌ای دانسته و می‌دانند که باید از دست و دندان دیگران بگیرند و خود پاره پاره‌اش کنند و تا هفت پشتِ خود را با منافعش تضمین کنند و چون ارثیه‌ای خانوادگی به بعدی بسپارند و با توجیهات گوناگون و بی‌پایه آنرا موجه جلوه دهند ولی نکته مهمی که باید دانســت این است که این مدیران کیســه دار، هیچ نسبتی با انقلاب و اسلام ندارند و موجوداتی هستند که در کنج و کنار و مکانهای تاریک و مغفول رشد و تغذیه می‌کنند و پا به میان می‌گذارند.

الگوهای درخشان انقلاب اسلامی به گونه‌ای بوده و هستند که امروزه با وجود الگوهای نامناسب و از خدا بی‌خبر، برای بسیاری باور کردنی نیست. زندگی دکتر چمران، برای ابد، شـاهکار تربیت انقلابی و مقلـدان خمینی را به رخ مدعیان و متحیران می‌کشـد. در روزگاری که برخی مسؤولین عاری از هرگونه برجستگی علمی و عقلی، با رانت مدیریتی و بیت‌المال، چند صباحی را با زور توصیه، تبانی یا تابعیت دوگانه در خارج از کشور به سر می‌برند و تا آخر عمر بر دوش مردم سوار می‌شـوند و فرزندان خود را بی‌هیچ فرهیختگی به این زنده مانی عادت می‌دهند و با بهانه‌های مضحک «ژن برتر» و «سـفیران کشور» به مفت‌خوری می‌گمارند، چمران، دانشمند فیزیک، کرسی استادی بهترین دانشگاه آمریکا با حقوق افسانه‌ای را وامی‌نهـد و به دور از هرگونه حرفی به خدمت می‌پردازد. گویی به تمام معنا به جیفه بودن دنیا پی برده است. لبنان و جهاد با فقر و صهاینه و وزارت در ایران و...، هیچ‌کدام روح بلند او را سیراب نمی‌کند تا آنکه خود را به خط مقدم جبهه پاوه و دهلاویه می‌رساند و صداقت راهش را ثابت می‌کند. او بعد از شهادتش حتی خانه‌ای برای خود نداشت. رجایی، بابایی، باکری و دیگرانی از این قبیل نیز همین‌گونه بوده‌اند و بیشتر به افسانه می‌مانند.

در مقابـل این الگوهای به یادماندنـی، امثال بنی صدر و رجوی و قائم‌مقام و سران فتنه و دیگران نیز بوده و هستند که در خیانت و فرصت سوزی و حرافی و تنبلی، در تاریخ ماندگارند. کسانی که رأی مردم را خراب کردند و دچار خودشیفتگی و خودشـگفتی شدند و قدر نعمت «اعتماد مردم» را ندانستند و گمان کردند که «رأی» پایان ماجراسـت و حال آنکه شروع امتحان است. آنها ندانستند که قانون اساسی در اصل ۶ و ۵۹ تدبیری اندیشیده که کشور دچار بن‌بست و بی‌مسئولیتی نشود. امثال آنها اعتبار خود را از میز و مقامِ می‌جویند درحالیکه امثال رجایی، به صندلیِ ریاستشان شرافت می‌بخشند. اصلاً تمایز مدیران در این است که مسئول خوب سوار بر مقام است و مسئول بد به مقامش سواری می‌دهد. مسؤول خوب، در حرف و عمل، خدا محور است و خدمتگزار مردم، ولی مسئول بد، خود محور است و متکبر و تنبل و خدمتگذار. و نمی‌فهمد که استواری نظام به شخص نیست، به حقانیت راهی است که مردم انتخاب کرده‌اند و برایش عزیزانشان را تقدیم کرده‌اند و مسؤلین در این میان تنها خدمتگزارند که باید پاسخگوتر باشند. مشکل تشنگان قدرت همان است که امام خمینی در نصیحتش به بنی صدر فرمود[۳] «حُبُّ الدُّنیا رَأسُ کُلِ خَطیئَه»[۴] که ریشه آن نیز حب نفس است وای که کاش بنی صدر می‌فهمید.

واقعیت این است که انقلاب اسلامی مثل سنگ محکی است که در این چهل سال، عیار هرکسی را که با آن مواجه شده مشخص کرده است. درست مثل داستان اسلام ناب. مثل قبل از هجرت و بعد از آن. مثل غدیر. مثل دوران امام مجتبی. و مثل داستان کربلا. که اگر کسی می‌خواهد سرگذشت مقلدان خمینی و حواریون انقلاب را بداند باید داستان کربلا را بخواند. صدها نفر با حسین بن علی از مکه خارج شدند و بیش از یک ماه بر سفره امامشان نشستند و نان و نمک خوردند ولی تا به کربلا رسیدند پاپس کشیدند و تنها ۷۲ جوانمرد باقی ماند. گروهی در تاسوعا و عاشورای ۶۱، در خانه نشسـتند و برای پیروزی سیدالشهدا دعا کردند. برخی حسین را به گندم ری فروختند. برخی آفتابِ حسـین را نیمه شب، با وعده عمرسعد و شمر، عوض کردند و برخی دنیادیدگانِ دنیاپرست و کار به دست، با سیم وزر ابن زیاد، حکم به ارتداد حسین دادند. آن یتیمانِ که زِ اطعام علی سیر شدند هم، کربلا گوشه گودال، همه شیر شدند. أَلا لَعْنَةُ اللهِ عَلَی الظّالمین.[۵]

این‌گونه نبود که از ابتدای انقلاب اینگونه باشد. در اول انقلاب رقابت مسئولان بر سـر سـادگی بود و حتی ریاکاران هم ساده بودند ولی امروز رقابت بر سر لقمه های بزرگ حرام است و دریدن بیت‌المال، زرنگی و تصاحب مقام، کاربلدی نامیده می‌شود و نمی‌دانند که این استمهال و استدراج، هلاکشان می‌کند. خدانیامرزد آنها که فساد مالی و مدیریت متحجر تکنوکراتی را آن‌قدر تئوریزه کردند که امروز از مفسد اقتصادی ۱۶ ساله رونمایی می‌شود. یاد باد آن روزگارانی که رقابت بر سر ایثار بود و ۱۶ساله‌ها در صف شهادت بودند و همین مفسدین امروز، مسخره کنندگان دیروز بودند و در حال ترجمه مقالات چگونگی دموکراتیزه کردن ایران و مدنی نمودن جامعه نبوی. جامعه‌ای که در آن ارزش‌ها باژگونه شود همین است که رقابت بر سر نامردی است. در کربلا هم بودند عده‌ای که هم گوشواره از گوش بچه‌ها می‌کندند و هم گریه می‌کردند. می‌گفتند نکَنیم دیگران می‌برند وگریه می‌کنیم، چون که اینها مظلوم‌اند.

آری داسـتان انقلاب ما داستان کربلاست. کیسه داران، کیسه از مال و مقام انباشـتند و برای کارنکرده نجومی گرفتند و با خانواده، بر سفره انقلاب نشستند و تا توانسـتند حق مردم را به نام سـهم خود لقمه کردند و امروز نیز غُر و قِرشان آزاردهنده مردم است. هفته دولت ما، بایدَ هفته رونمایی از اخلاق مدیریت اسلامی می‌بود. رجایی و باهنر و آن عزیزانی که نام مبارکشان به این ورقه زینت داده است، همگی مدیران و فرماندهان مکتبی بودند. مقید بودند. مسلمان بودند. دشمنان و نامسلمانان و نادرستان به آنها طمع نمی‌کردند و می‌دانستند در آنها نفوذی ندارند و نتوانند. از بس که پاک و پاکدسـت و پاکدامن بودند. مدیر تراز انقلاب اسـلامی همانها بودند که تا ابد نام مقدسشـان ذکر مسـتحب مردان خداست. آنها کجا و مدیرانی که زمام خود را به گروه‌های تبلیغاتی خناس و ناشناس داده‌اند کجا؟ اگر امروز در مجلس رئیس‌و وزیر جمهوری اسلامی، گروهی به خود اجازه کشف حجاب می‌دهند دلیلش همین است. نفرین به مقامی که آزادگی را از آدمی بگیرد و زبانش را به توجیه دروغین بچرخاند.

اهمیت طهارت مدیران به همین دلیل اسـت و مبارزه با فساد در ابتدا با فرد اسـت و در کنارش با قوه قضا. و فساد درآنجاست که لقمه‌اش از ناکجاست. آنکه در خانه و مدرسه و دانشگاه تربیت نشد باید گوشش را به قوه قضا سپرد و دست قاضی انقلابی و شـجاع مریزاد. کسـی که به خدا تعهد ندارد امکان ندارد به بنده خدا متعهد باشد و اگر علمی اندوخته باشد، از سنخ همان ضاله و ضلالتی است که صفرا فزاید. علم آن بود که دکتر بهشتی و دکتر باهنر و دکتر آیت و دکتر چمران و دکتر دیالمه و دکتریداللهی داشـتند که از آنها خدمتگزاران صادقی ساخت که به خدا رسیدند و سعادت خریدند و در قلب مردم و تاریخ ماندگار شدند و به علم و دانش و دانشـگاه و فرنگ، عزت یاد دادند وگرنه آن عنوانی که بی‌عقل باشـد یا خدای نخواسته با زور پول و عنوان پدر به دست آید، نتیجه‌اش اقتصاد بی‌برکت و صنعت بی‌حرکت و تعهدات پاره شده‌ای است که دستپخت دوتابعیتی‌ها و پروازی‌ها و غربزده‌ها و ژنرالهای سربازی نرفته است. کسانیکه مصداق «حب الشیء یعمی و یصم»اند. صدای ۴۲ هفته آشوب فرانسه را نمی‌شنوند و کودتای ملکه انگلیس به نام دموکراسی را نمی‌فهمند و آمریکای روبه افول را نمی‌بینند و از فلات ثبات خود دائماً فرستاده به آن کشتی‌های درحال غرق می‌فرستند.

۱- سخنان رئیس جمهور http://www.president.ir/fa/۱۱۰۹۹۹
۲- همان
۳- صحیفه امام، ج ۱۴، ص ۴۹۳
۴- امیرالمؤمنین: ایها الناس ایاکم و حب الدنیا فانها رأس کل خطیئه و باب کل سـیئه و قرآن کل فتنه و داعی کل رزیه. ای مردم! از دوسـتی دنیا بپرهیزید که آن سر هر خطا و در هر بلا و مقرون با هر فتنه و کشاننده هر مصیبتی است. تحف العقول، ص ۲۱۵
۵- سوره هود آیه ۱۸

سلیمی در صحن علنی:

آقای رئیس‌جمهور! آیا باید مفسدان اقتصادی را به هتل‌های ویژه فرستاد؟!

دیروز مجلس به ادامه بررسی طرح لایحه تجارت پرداخت همچنین سلیمی در تذکری خطاب به رئیس‌جمهور گفت آیا باید به مفسدان اقتصادی جایـزه داد؟ حبیب‌الله دهمرده نیز برجام را درس عبرتی برای بشریت عنوان کرد و پژمانفر هم خطاب به روحانی گفت که دولت شما رو به پایان است اما برای مردم کاری نکردید.

جلسه علنی مجلس شورای اسلامی صبح دیروز به ریاسـت علی لاریجانی رئیس مجلس آغاز شد و ادامه بررسی لایحه تجارت در دستور کار قرار داشت.

حسـینعلی حاجی دلیگانی در نشست علنی دیروز مجلس شورای اسـلامی، در جریان بررسی لایحه اصلاح قانون تجارت، گفت: نماینده دولت در صحن علنی همیشه موافق صحبت می‌کند این در حالی است که در فضای عمومی می‌گویند ما تصویب نکردیم مجلس آن را تصویب کرده، بهتر است در این رابطه اطلاع‌رسانی بیشتری انجام شود.

علی لاریجانی در پاسـخ به تذکر این نماینده، گفت: این لایحه در زمان دولت آقای خاتمی‌تدوین شد و از طرف دولت به مجلس ارائه شده، همچنین در مرکز پژوهش‌ها نماینده اتاق بازرگانی در جلسات مختلف حضور داشت و در صحن علنی نیز نظر دولت گرفته می‌شـود. بر روی این لایحه کار زیادی انجام شده و در جلسـات مختلف بر روی آن بحث شده بنابراین لایحه پخته‌ای است.

جای مجرمان کجاست؟

علیرضاسلیمی درنشست‌علنی‌دیروز(یک‌شنبه، ۱۰ شهریورماه) مجلس شورای اسلامی، خطاب به رئیس‌جمهور گفت: شما گفتید جلوی مفسدین را نباید گرفت و با بگیر و ببند مشکلی حل نمی‌شود؛ عده‌ای در کشور مسیری طراحی کرده‌اند که پیوسته مفسد تولید می‌کند؛ با مفسدین باید چه کار کرد؟ آیا باید آنها را به هتل‌های ویژه فرسـتاد؟ آیا باید به آنها جایزه داد؟

نماینده مردم محلات در مجلس با بیان اینکه فسـاد غده‌ای سرطانی است، اضافه کرد: چرا وقتی نوبت به مفسـدین یقه سفید رسـید فریاد عده‌ای بلند شد.

سلیمی گفت: مگر مجلس در راس امور نیست، مذاکرات فعلی سیاست خارجه چرا به گوش مجلس نمی‌رسد، چرا دولت با مجلس هماهنگ نیست؛ یک وزیر می‌گوید قیمت‌ها باید افزایش پیدا کند و دیگری می‌گوید باید کاهش پیدا کند.

این عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با بیان اینکه حق‌التدریسـان سالیان سال است که پیگیر حقوقشان هستند، اضافه کرد: دولت نیز امروز و فردا می‌کند و همچنین قیمت دارو اخیرا به شدت افزایش پیدا کرده است.

برای مردم هیچ کاری انجام ندادید

نصرالله پژمانفر نماینده مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود گفت: دشمنان آمریکایی و اروپایی ملت ما که امروز بازی بدی را مثل گذشته ننگین خود ادامه می‌دهنـد و وانمود می‌کنند که جنگ با ایران سریع و آسان است، بدانید که ما امروز یک جریان فکری بزرگ در دنیا هستیم و طرفداران زیادی در دنیا داریم پس بدانید ملت‌های آزاده دنیا در دل خود بابت رژیم صهیونیستی عقده‌ای شکل گرفته پس اگر شما آغازکننده جنگی باشید خواهید دید جهنمی‌را برای شما در دنیا به‌وجود خواهیم آورد و در یک چشم بر هم زدن این لکه ننگین را از کره خاکی پاک خواهیم کرد؛ شما دیگر پیر و فرتوت شده‌اید.

وی در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور اظهار داشت: دولت شما رفته رفته رو به پایان است اما هیچ کاری برای ملت ایران انجام نداده اید و در این دولت سفره مردم کوچک شـد و وضعیت اقتصادی مردم خراب شد همچنین پاسپورت ایرانی بی‌احترام‌تر شد و موج بیکاری علی‌رغم آمارهای دروغین بالا گرفت.

پژمانفر اضافه کرد: شـما گفتمان ایستادگی و مقاومت را کنار گذاشتید و تصور کردید با گفتمان سازش مشکلات دنیا حل می‌شود. بعد که شکست خوردید پشیمان نشدید و برای اینکه مجدداً مردم را پای میز مذاکره و پذیرش کدخدایی بیاورید، با رویکرد ناتوان نشان دادن نظام در حل مسائل حداقلی مردم از آب و نان و گوشت و دیگر مایحتاج مردم وارد شدید و علی‌رغم اینکه ژست گرفتید، شما هم مثل مردم شدید و ادای مخالفت با آمریکا را گرفتید و خواستید به مردم بگویید که دیدی من هم ضدآمریکایی شده ام؛ اما مسائل شما حل نشد و گفتید باید مذاکره کنیم.

وی خطـاب به روحانـی افزود: شـما و تمام ژنرال‌های شکست خورده شما بسیار تلاش کردید که نظام را در حل مشکلات جاری مردم ناتوان نشان داده و در مردم این حس غلط را ایجاد کنید که هیچ راهی جز پذیرش شرایط آمریکا و مذاکره مجدد نیست اما «و مکروا مکرالله و الله خیر الماکرین»؛ دست شما رو شـده است پس به دامن ملت بازگردید و در این فرصت باقی مانده یک‌بار هم که شده طبق گفتمان ایستادگی و مقاومت حرکت کنید.

پژمانفر همچنین در ادامه ضمن تشکر از اقدامات ریاسـت قوه قضائیه بیان داشت: این تلاش‌ها موج امیدواری را در سطوح مختلف به نظام بالا برده است و امیدوارم در اسرع وقت با فسادهای صورت گرفته از جمله فسادهایی که به اسم خصوصی‌سازی مثل ایرتور صورت گرفته است، برخورد شود چرا که چند سالی است که درباره این واگذاری تذکراتی داده بودم و روز سه‌شنبه مصاحبه مفصلی درباره این موضوع خواهم داشت.

عضو فراکسیون نمایندگان ولایی مجلس در ادامه خطاب به رئیس‌جمهور درباره وضعیت کشـاورزان گفت: کشاورزان انتظار دارند نسبت به اعلام به موقع قیمت خرید تضمینی گندم، کلزا و چغندر اقدام شود.

برجام درس عبرتی برای بشریت

حبیب‌الله دهمـرده در نشسـت علنی دیروز مجلس شورای اسلامی در تذکر شفاهی گفت: آقای رئیس‌جمهور مذاکره با شیطان بزرگ در هر سطح و مکانی، خیانت نابخشـودنی به سیدالشهدا، تمام شهیدان مقاومت، مسـلمانان و تمام آزادی‌خواهان بشریت است.

نماینده مردم زابل، زهک و هیرمند در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه برجام عبرت و درس فراموش شدنی برای تاریخ بشریت است، ادامه داد: مالیات مضاعف، عدم پرداخت خسارت توسط بیمه، فشار غیرقانونی بانک‌ها، ریزگردها، نبود زیرساخت‌ها از قبیل گاز، راه مناسـب، راه‌آهن، بیکاری، گرانی، خشکسـالی‌های ویران‌کننـده، نبود آب شـرب و موضوعات دیگر باعث کوچ و پیوستن مرزنشینان به حاشیه شهرها است.

وی با بیان اینکه تخلیـه مرز عملاً انتقال مرز افغانستان به سمنان و قم است، تصریح کرد: اجازه داده نشـود بیش از این توسـط تعدادی نفوذی و خودفروخته چوب حراج به عزت و شرف مسئولان زده شـود. دهمرده با اشاره به اینکه از آقای رئیسی درخصوص برخورد با حرام خواران که مردم را امیدوار کرده است، تشکر می‌کنم، افزود: مطالبه جدی مردم، برخورد با حرام خواران دانه درشت است، مسئولان به وظیفه ذاتی خود عمل کنند و اجازه ندهند تعدادی ناآگاه و هنجارشکن حجاب و عفاف جامعه را هدف قرار دهنـد، در صورت کوتاهی ملت باغیرت آنها را جارو می‌کنند.

نماینده مردم زابـل، زهک و هیرمند در پایان خاطرنشان کرد: وضعیت اقتصادی به هیچ عنوان قابل قبول نیست و گرانی آستانه تحمل مردم را بریده است.

حمایت نماینده لیست امید از مجرمان امنیتی

پروانه سلحشوری، نماینده لیست امید و کسی که سابقه نطق‌های ساختارشکنانه دارد در نشست علنی دیروز مجلس، در تذکر شفاهی خود به دفاع از برخی مجرمان امنیتی پرداخت.

وی در سخنان خود به‌گونه‌ای وانمود کرده است که گویا اشخاصی فقط به‌خاطر حضور در یک اعتراض خیابانی یا اعتراض در کنار مجلس دستگیر شده‌اند. حال آنکه تجمعات اعتراضی همیشه توسط صنوف مختلف در کنار مجلس برگزار می‌شود.

وی در بخشی از سخنانش به اختلاس‌گران اشاره کرده و مدعی شده که احکام آنها ضعیف است حال آنکه در مواردی مانند حقوق‌های نجومی‌در ابتدا که مطرح شد همین طیفی که امثال سلحشوری به آن وابسته هستند صدای اعتراض شان برخاست و مخالف افشـاگری در مورد این حقوق‌ها بودند و یا در مورد اختلاس صندوق ذخیره فرهنگیان نیز ابتدا واکنشی از این دسـت از سمت اینها دیده شد. همچنین در مورد اعدام برخی از مفسدان بزرگ اقتصادی نیز این طیف بودند که با آن احکام به مخالفت پرداختند.

نگاهی به دیروزنامه‌های زنجیره‌ای

صادقی: مجلس کاره‌ای نیست! روزنامه دولت: پس چرا هستید؟

سرویس سیاسی-

مرور کلی شماره دیروز روزنامه‌های اصلاح‌طلب حاکی از آن بود که اظهارات جهانگیری در مراسم افتتاح همزمان ۶۴۳ پروژه تعاونی و ماجرای ماهواره «ناهید ۱» در پی ادای ترامپ مبنی بر شکستی دیگر در پرتاب ماهواره ایران مورد توجه این روزنامه‌ها قرار گرفته. همچنین دسـتگیری مداحان اسرائیلی در ایران، انعطاف آمریکا برای صدور مجوز نفت ایران و سومین جلسه رسیدگی به اتهامات گروه جهانبانی از دیگر سوژه‌هایی بود که روزنامه‌های اصلاح‌طلب به آن پرداخته بودند.

روزنامه اعتماد روز گذشته در مطلبی به نقل از محمود صادقی نماینده اصلاح‌طلب مجلس با عنوان «می‌گوییم مجلس کاره‌ای نیست» نوشت: «قضاوتی که در حال حاضر از فراکسیون امید وجود دارد، از قضاوت عمومی و احساس نارضایتی‌ای که از کل شرایط فعلی وجود دارد، جدا نیست... فراکسیون امید ضعف‌هایی دارد که باید در جای خود دیده شود؛ ازجمله در حوزه حمایت و دخالت در حقوق اساسی و حقوق شهروندی مردم که البته بخشی از ضعف‌ها به آن خاطر است که حدود اختیارات مجلس در این زمینه، به اندازه‌ای نیست که نمایندگان بتوانند تاثیرگذار باشند. برای نمونه، در بخش مربوط به عملکرد دستگاه قضایی اصولا مجلس نمی‌تواند قوه قضائیه را مورد سؤال و استیضاح قرار دهد.»

این نماینده اصلاح‌طلب مجلس در ادامه به اعتماد گفته است: «در واقع موازی‌کاری‌ها باعث شده روزبه‌روز از اختیارات مجلس کاسته شود و مردم فکر کنند مجلسی که بر اساس قانون اساسی اختیاراتی دارد، کارآمدی لازم را ندارد».

گفتنی است از مهم‌ترین مولفه‌های سیاست‌ورزی اخلاقی پذیرش مسئولیت و تبعات کنش‌ها در سپهر سیاست است که متأسفانه جریان مدعی اصلاحات فاقد آن است و از هم اکنون گام‌های اولیه برای فرار از مسئولیت تبعات لیست امید را برداشته است؛ تا با این حربه آبروی رفته را بازگردانند، اما رسوا بودن حربه فوق تا آنجا عیان است که برخی چهره‌های این جریان تصریح دارند که نمی‌شود با این فضاسازی مردم را فریب داد و نتیجه دوباره گرفت!

نکته قابل تأمل اینکه همین حربه نخ نما شده این روزها مکرر در مواضع دولتمردان مشاهده می‌شود و آنها نیز با این بهانه که دولت اختیارات ندارد، تلاش دارند در فصل پاسخگویی از مسئولیت و وعده‌های داده شده و محقق نشده خود فرار کنند. ناکارآمدی مدعیان اصلاحات عملاً قوه مجریه و مقننه را با مشکلات جدی مواجه کرده که نتیجه آن به وضوح در وضعیت کشور و زندگی مردم قابل مشاهده است.

جالب اینکه چندی پیش روزنامه ایران ارگان دولت پاسخ مدعیان اصلاحات مبنی بر اینکه مجلس کاره‌ای نیست را این‌گونه داده بود: نمایندگان مجلس در نقد وضعیت اقتصادی کشور تمام مسئولیت‌ها را متوجه دولت و آقای رئیس‌جمهوری می‌کنند، در حالی که به هیچ وجه حاضر نیستند از نقشِ خود یا دستگاه قضایی سخن به میان آورند. پرسش این است که اگر این دو قوه مسئولیتی در مسائل ندارند، پس اصلاً چرا هستند؟ و اگر هستند و پرقدرت هم هستند، پس حتماً به همان نسبت اثرگذار هستند.

متأسفانه جناح و گروه مذکور می‌خواهد تمامی‌کیک قدرت را داشته باشد، ولی هیچ سهمی از مسئولیت ناشی از قدرت را عهده‌دار نباشد. چنین وضعیتی برای جامعه و اقتصاد ایران بسیار خطرناک است. باید هر کس که قدرت دارد، متناسب با آن نیز مسئولیت‌پذیر باشد.

تحریف؛ از خبر آنلاین و سازندگی تا بی‌بی‌سی

مدیر مسئول روزنامه کیهان در یادداشت روز شنبه مورخ ۹ شهریور ماه با عنوان «آیت‌الله سیدابراهیم ذوالقرنین دست مریزاد!» رویکرد و عملکرد ریاست قوه قضائیه در برخورد با مفسدان را مثبت ارزیابی کرد و آن را قابل قدردانی دانست.

وی در بخشی از این یادداشت با اشاره به داستان ذوالقرنین که در سوره مبارکه کهف آمده است، به شخصیت ذوالقرنین پرداخت و نوشت: «در سوره مبارکه کهف به داستان ذوالقرنین اشاره شده است، او اگرچه به روایت معصومین علیهم‌السلام پیامبر نبود ولی شخصیتی مؤمن و دادگستر و محبوب خدا بود. برخی از مفسران، از جمله مرحوم علامه طباطبائی او را کوروش کبیر یعنی همان پادشاه هخامنشی می‌دانند. ذوالقرنین سپاه عظیم و سلحشوری در اختیار داشت. در کلام خدا از سـفرهای سـه‌گانه او یاد شده است، سفر به مشرق و مغرب و سفر به منطقه‌ای که در پس تنگه‌ای (برآمده از دو کوه) قرار داشـت، «حَتّی إِذا بَلَغَ بَینَ السَّـدَّینِ وَجَدَ مِن دونِهِما قَومًا لا یَکادونَ یَفقَهونَ قَولًا ... ذوالقرنین در سفر سوم خود به میان دو کوه می‌رسد و در پس آن دو کوه مردمی را می‌بیند که از ظلم و ستم جماعت ستمگری به‌نام «یأجوج و مأجوج» به تنگ آمده‌اند و از او می‌خواهند که میان آنها و یأجوج و مأجوج دیواری بنا کند تا از تاخت و تاز آن ستمگران در امان باشند و ذوالقرنین با آهن و مس گداخته میان آن دو کوه، سد محکمی بنا می‌کند که یأجوج و مأجوج توان نفوذ و عبور از آن را نداشته‌اند. «فَمَا اسْطَاعُوا أَن یَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا- نه می‌توانستند از آن بالا بروند و نه در آن نقبی بزنند.»

اردیبهشت ماه سال ۹۶ و در گرماگرم تبلیغات انتخاباتی، آقای رئیسی را که یکی از نامزدهای ریاست جمهوری بود، متهم کردند، اگر انتخاب شـود، در پیاده‌روها دیوار می‌کشـد! و گفتند؛ «اگر شما جوانان در خانه بنشینید، بدانید که در پیاده‌روهای ما هم دیوار خواهد بود، شما آنها را نمی‌شناسید. من آنها را می‌شناسم. آنها روزی در جلسه‌ای تصمیم گرفتند که در تهران و در پیاده‌رو دیوار بکشند. آنها می‌خواستند، پیاده‌رو زنانه و مردانه ایجاد کنند.»

بعدها اگرچه آقای رئیسی به ریاست جمهوری انتخاب نشد اما، نیمی‌از آنچه درباره دیوارکشی ایشان گفته بودند به حقیقت پیوست! و ایشان که به ریاست قوه قضائیه انتخاب شده بود، دیوارکشی را آغاز کرد، ولی آنگونه که ایشان را متهم کرده بودند، در پیاده‌روها دیوار نکشید! رئیسی در برخورد قاطع و هوشمندانه با مفسدان اقتصادی و دستگیری و محاکمه آنها، میان یأجوج و مأجوج‌های عصر حاضر و مردم مظلوم و ستمدیده ایران، دیوار بلندی کشید و دست غارتگر آنها را از جان و مال ملت کوتاه کرد. هزاران میلیارد از اموال به غارت رفته مردم را به بیت‌المال باز گرداند و غارتگران را به دست عدالت سپرد... و این گردونه- که با استجازه معروف آیت‌الله آملی لاریجانی از حضرت آقا به گردش درآمده بود- کماکان به چرخش خود ادامه داد و این روزها با هر چرخی که می‌زند، ارتفاع آن دیوار بلند و بلندتر می‌شود و مردم را به اجرای بی‌چون و چرای عدالت امیدوارتر می‌کند... کاری کارسـتان و همسو با برخوردی که جناب ذوالقرنین با جماعت بیدادگر یأجوج و مأجوج کرده بود... از این روی باید گفت: آیت‌الله سیدابراهیم ذوالقرنین، دست مریزاد و خدا قوت.»

اما نکات قابل تأمل مدیر مسـئول روزنامه کیهان به مذاق مدعیان اصلاحات، اپوزیسـیون و رسانه‌های معاندی چون بی‌بی‌سی خوش نیامد. سایت خبرآنلاین با تحریف یادداشت، در خبری تیتر زد: «حسین شریعتمداری: رئیس قوه قضائیه آیت‌الله سیدابراهیم ذوالقرنین است و ذوالقرنین هم همان کوروش است» و روزنامه سازندگی هم در ادامه خط تحریف و شیطنت رسانه‌ای با انتشار عکسی از مدیر مسئول روزنامه کیهان نوشت: «رئیسی کوروش زمانه ما است» و همچنین برخی از رسانه‌های اپوزیسیون و معاند نیز چنین تیترهایی را منتشر کردند.

این در حالی است که بر کسی پوشیده نیست رسانه‌های مدعی اصلاحات که داعیه اخلاق دارند، بارها نشان داده‌اند که تنها چیزی که برایشان اهمیت ندارد همین اخلاق است و بس؛ چه آنکه در موارد و موضوعاتی به‌ویژه ماجرای نجفی و قتل میترا استاد، ید طولا در بی‌اخلاقی و دم خروس خود را نمایان ساخته‌اند.

ناگفته پیداست که مقصود و مراد مدیرمسئول کیهان در آن بخش از یادداشت، تعریف از کوروش و یا مقایسه آیت‌الله رئیسی با کوروش نبوده است و کوشش محکوم به شکست مدعیان اصلاحات در القای موضوعی که به هیچ رو به کیهان و مدیرمسئول آن نمی‌چسبد، چیزی از نکات مهم یادداشت و دست‌مریزاد کیهان به آیت‌الله رئیسی نمی‌کاهد و جز اینکه مصداق دیگری از بداخلاقی و شیطنت‌های رسانه‌ای باشد و اساساً تحریف واقعیت در خبررسانی باشد، چیزی دیگری را نشان نمی‌دهد.

گرای غلط ارگان دولت درباره وضعیت بازارهای سرمایه

روزنامه ایران دیروز در گزارشی با عنوان «واکنش بازارها به رویدادهای دیپلماسی» نوشت: «با وجودی که در سال‌های اخیر بازارهای سـرمایه‌گذاری مانند ارز، طلا و سـهام حساسیت کمتری نسبت به اخبار و تحولات سیاسی از خود نشان می‌دهند، اما بررسی شاخص و رفتار این بازارها نشان می‌دهد که همچنان شکل‌گیری جو امید به گشایش‌ها و آینده سمت و سوی آنها را تغییر می‌دهد.»

ارگان دولت افزود: «هر چند بازار ارز و به تبع آن طلا در ماه‌های اخیر روزهای آرامی‌را سپری می‌کنند، ولی در ابتدای شهریور ماه برخی تحولات دیپلماتیک و موضع گیری‌ها تأثیر زیادی در بازار داشت، تأثیری که به اعتقاد کارشناسان به‌دلیل خوش‌بینی به آینده ایجاد شده است. بر همین اساس سفر محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه کشورمان به پاریس و دیدار با امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه در روز نخست شهریور، نخستین سیگنال مثبت به بازارها بود که تا حدی توانست روی روند بازارها تأثیر بگذارد. اما در روز چهارم شهریور ماه ۲ رخداد مهم و همزمان باعث شد تا سمت و سوی بازارها تغییر کند. دراین روز از یک سو وزیر امورخارجه ایران برای بار دوم برای مذاکره با رئیس‌جمهوری فرانسه به محل برگزاری اجلاس «جی ۷» که رئیس‌جمهوری آمریکا نیز در آن حضور داشت، رفت و از طرف دیگر حسن روحانی رئیس‌جمهوری کشورمان در همایش ارائه دستاوردهای دولت تدبیر و امید در توسعه زیرساخت‌های روستایی با اعلام اینکه «اگرملاقات با کسی به نفع مردم کشور باشد، دریغ نخواهم کرد» موجی از خوش بینی به احتمال از سرگیری مذاکرات و تعدیل تحریم‌ها، در اقتصاد و میان فعالان بازار ایجاد کرد. این جو خوش‌بینی به‌سرعت در شاخص بازارها نیز خود را نمایان کرد. از یک سو قیمت‌ها در بازار ارز و طلا افت قابل توجهی را تجربه کرد و از سوی دیگر رشد شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران نیز تشدید شد.»

گفتنی است، کاهش قیمت دلار و طلا و افزایش شاخص بورس نه مربوط به اقدامات خارجی و فضای دیپلماسی که ماحصل تدابیر داخلی اسـت. از این رو، کاهش نرخ دلار ناشـی از سیاست بانک مرکزی مبنی بر تعدیل نرخ دلار و پیامد اقداماتی در راسـتای بازار باز و بازار متشـکل ارزی و افزایش عرضه ارز صادراتی است. افت قیمت طلا نیز متأثر از کاهش نرخ دلار و اثرگذاری این نرخ در فرمول تعیین قیمت طلا است. افزایش شاخص بورس هم به دلیل سودآوری شرکت‌های بورسی با سبقه صادراتی است که آن نیز به افزایش نرخ دلار نسبت به اوایل سال قبل بازمی‌گردد.

آقای ظریف! حرف‌های مرداد سال ۹۴ خود درباره برجام را فراموش کرده‌اید؟!

سرویس سیاسی -

وزیر امور خارجه انگار حرف‌های خود را در ۱۲ مرداد ۹۴ که با قطعیت می‌گفت آمریکا نمی‌تواند از برجام خارج شود، فراموش کرده است که منتقدان را می‌نوازد. او از مذاکرات هسته‌ای با آمریکا و اروپا یک مشت وعده روی کاغذ به کشور آورده است و در مقابل برنامه هسته‌ای تعطیل شده است، اما چند سفر خارجی و مصاحبه با محافل رسانه‌ای را پوششی برای کتمان این خسارت محض قرار داده است.

روزنامه ایران دیروز گفت‌وگویی با محمد جواد ظریف وزیر امور خارجه منتشر کرده که وی در این مصاحبه با پیش‌فرض‌های نادرست، ادعاهایی مغلوط را مطرح کرده است.

ظریـف گفته اسـت: «واقعیت دنیـا را نگاه کنید الان آمریکاسـت که شکست خورده است و دیپلماسی پیروز شده است. دوستان ما اعتقاد دارند که آمریکا بزرگ‌ترین معاند انقلاب و کشورماست در حالی که باید ببینند که وقتی خودشان سال‌ها علیه آمریکا شـعار دادند و با دیپلماسی مخالفت کردند، تحریم شدند؟ آیا آمریکا اقدامی علیه آنها انجام داد؟ آیا آمریکا از آنهاترسید که تحریم‌شان نکرد یا دوستان ما ضرری برای این کشور نداشتند که تحریم نشدند. من دوست ندارم از خودم تعریف کنم اما تحریم نشـدن کسانی که فریادهای ضد آمریکایی‌شان گوش فلک را کر کرده است، نشان می‌دهد که آمریکا هیچ مشکلی با آنها ندارد و کار ایشان مشکلی به‌وجود نمی‌آورد. کاری که ما انجام دادیم برای آمریکا مشـکل ایجاد کرد. دیپلماسی بسـیار موفق بوده است نه به‌دلیل توانمندی‌های فوق‌العاده ما بلکه به‌خاطر مردم ما کارآمد بوده است. مردم ما زمینه‌ای را فراهم کردند که ما توانسـتیم جلوی ۶ قـدرت بزرگ بایسـتیم و کاری کنیم آمریکایی‌ها احساس کنند به آنها ضربه وارد شده است و بگویند این بدترین توافق تاریخ آمریکاست. نمی‌دانم چرا دوستان ما می‌خواهند افتخارات کشور خودشـان را که هیچ ربطی هم به من وهمکارانم ندارد برای کشور به سرشکستگی تبدیل کنند. این دسـتاوردها مایه سربلندی است هر چند دیگر از کسانی که گاندو را می‌سازند، این توقع می‌رود که این مصاحبه‌ها را از مردم بگیرند بعداً باید یا در این دنیا یا اگر در این دنیا فرصتی نشد در آن دنیا پاسخ دهند که چطور قلب حقیقت کردند.»

مبنایی خارج از یک چارچوب عقلایی!

اظهارات فوق، بر یـک مبنای غلط به لحاظ منطقی قرار دارد. آن مبنا این اسـت که نشـانه ضد اسـتکباری بودن یک فرد، تحریم او از سوی آمریکاست. بر این پایه مغلوط، ظریف معتقد است روند مذاکرات هسته‌ای مفید ایران و به ضرر آمریکا بوده و مفتخر است که آمریکا به همین سبب، ایشان را تحریم کرده است. در حالیکه در یک چارچوب عقلایی و واضح، ممکن اسـت یک فرد متعهد و انقلابی باشـد اما آمریکا وی را تحریم نکند. از این رو، اگر مبنای آقای ظریف صحیح باشـد، تحریم نشدن بسـیاری از مقامات را باید به‌حساب زاویه آنها با مبانی انقلاب و همراهی‌شان با آمریکا دانست!

ظریف از مذاکرات هسـته‌ای با آمریکا و اروپا یک مشـت وعده روی کاغذ به کشور آورده است و در مقابل برنامه هسته‌ای تعطیل شده است، اما چند سـفر خارجی و مصاحبه با محافل رسانه‌ای را پوششـی برای کتمان این خسارت محض قرار داده اسـت. تحریم وی به‌عنوان رئیس دسـتگاه دیپلماسی و تیم مذاکره‌کننده گواهی بر خطا بودن رویکرد دولت در اعتماد به آمریکا و اروپا است که توانمندی‌های بسیاری را بلا استفاده گذاشت و از کنار فرصت‌های زیادی گذشت.

ماجرای زیرکولرنشینی رئیس!

وزیر امـور خارجه در بخـش دیگری از این مصاحبه می‌گوید: «من از دوگانه‌سازی در کشور ابا دارم و برای اینکه این دوگانه‌سـازی هم شکل نگیـرد تاکنـون تحمل کردم از ایـن به بعد هم تحمل می‌کنم اما به شـما می‌گویم که دوستان یقیناً اشتباه می‌کنند. اگر دیپلماسی و تلاش‌های شبانه‌روزی همکاران من نبود حتماً کشتی ایرانی آزاد نمی‌شد کما اینکه اگر مقاومت مردم ایران هم نبود دیپلماسی هیچ پشتوانه‌ای نداشت. دوستانی که سعی می‌کنند یکی از پایه‌های قدرت جمهوری اسلامی ایران را به سخره بگیرند هیچ خدمتی به کشور و مقاومت نمی‌کنند. اگر دوستان ما معتقدند نمره مذاکره صفر و نمره مقاومت ۲۰ است دیگر ما نزدیک‌تر از سید حسن نصرالله و سردار سلیمانی به مقاومت نداریم حداقل ببینند آنها چه نمره‌ای به دیپلماسی می‌دهند و آنها چه ارتباطی با بنده دارند. پیام آقای نصرالله را ببینند. آیا آقای نصرالله نماینده مقاومت است یا حضراتی که در اتاق شان نشسته‌اند و زیر کولر شـعار می‌دهند؟ انقلابیون ایرکاندیشن (زیرکولرنشین) مقداری از انقلابیون واقعی یاد بگیرند.»

وزیر امورخارجه در حالی مدعی می‌شـود از دوگانه‌سازی در کشور ابا دارد که بلافاصله در ادامه همین مصاحبه به‌نحوی از دوگانه انقلابیونِ «زیر کولر نشین» و «آفتاب نشین» رونمایی می‌کند؛

از سـوی دیگر وی پاسـخ نمی‌دهد که آیا دیپلماسـی که نزدیک بود باک هواپیمای وی در فـرودگاه مونیخ را بدون بنزیـن بگذارد، می‌تواند نفتکش ایرانی را از چنگ روباه پیر آزاد کند؟ اعتماد دولت به آمریکا و غرب و پیمان‌شـکنی آنها برای چندمین‌بار ثابت کرد آنها تنها زبان اقتدار را می‌فهمند و مذاکره منفعلانه و امتیازدهی تنها به گستاخی آنها می‌افزاید. آزادی نفتکش ایرانی نشانه کاربست اقتدار مثـال زدنی نظام و اقدام قاطعانه و متقابل سپاه در توقیف نفتکش انگلیسی بود. چرا ظریف ماهیت و علت این رویداد را تحریف می‌کند؟ جای تعجب است که ظریف ملاقات با سردار سلیمانی و پیام جناب سید حسن نصرالله را تلویحا نشانه خالی بودن روند سیاست خارجی از خطا گرفته است!

نکته دیگر اینکه در دوگانه مقاومت ـ مذاکره، منظور از مذاکره، دیپلماسی مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت نیست بلکه مقصود، مذاکره منفعلانه و از جایگاه بدهکار است که علی‌رغم علم بر پیمان‌شکنی و غیرقابل اعتماد بودن دشمن، امتیازات نقد می‌دهد و وعده نسیه می‌گیرد، حیات و ممات کشور را به آن مذاکره و توافق گره می‌زند، اخد تضمین، مکانیسم شکایت و برگشت‌پذیری و توازن تعهدات را نادیده می‌گیرد و از خط قرمزها هم عبور می‌کند. رویه‌ای که علی‌رغم اعتراف مقامات ارشد دولت بر خسارت بار بودن آن، در کمال تعجب، هنوز هم در آنان دیده می‌شود و پیامد آن از دست‌رفتن فرصت‌ها، معطل گذاشتن ظرفیت‌ها و تحمیل هزینه‌های سنگین به کشور است. از این رو، وزیر امور خارجه منطقا، نباید بـا فرض معنایی دیگری از مذاکره در این دوگانه، بر منتقدان بتازد.

همچنین به‌نظر می‌رسد، ظریف به رئیس‌جمهور نیز کنایه زده است ! چراکه تصویر منتشر شده از یکی از سفرهای استانی روحانی نشان می‌دهد، در جایگاه سخنرانی ایشـان دو کولر گازی کنار هم نصب شده است.

تضاد ساده!

ظریف همچنین گفته اسـت: «کسـانی که می‌خواهنـد اقداماتـی انجام دهند کـه با رابطه نزدیک ما مغایـرت دارد، در جهت منافع دیگران کار می‌کنند و منافع کشور را نمی‌بینند ان شاءالله که متوجه نیستند که دارند در جهت منافع دیگران کار می‌کنند؛ ولی بعضی وقت‌ها برای من این سؤال مطرح می‌شود چقدر منافع گروهی در داخل کشور می‌تواند با منافع تندروهای اسرائیل و تندروهای آمریکا اتفاقی در همه موارد یکی باشد.»

منتقدان برجام به زیادی ستانده‌ها از ایران و نامتوزان بودن تعهدات در برجام ایراد می‌گرفتند اما اسرائیل از کمبود ستانده‌ها. چرا فهم این تضاد سخت است؟

وزیر امور خارجه در پاسـخ به این سؤال که «به‌نظر می‌رسـد که رسـانه ملی از دادن فرصت مناسب به شـما دریغ می‌کند؟» اظهار می‌دارد: «نه؛ حالا این‌طور که نیسـت. صداوسیما هرچند وقت یک‌بار از من دعوت می‌کند، بنده هم نه همه دفعات اما بعضی از مواردی را که دعوت می‌کنند اجابت می‌کنم و در رسانه ملی حضور پیدا می‌کنم. متأسـفانه مجموعه برنامه‌هایی که در صداوسیما ساخته می‌شود، برای نقد سیاست خارجی نیست، بلکه برای تخریب آن است.»

این ادعا در حالی است که حامیان برجام نسبت به منتقدان در صدا و سیما سهم دو برابری داشته‌اند.

مطمئن هستید؟!

ظریف مدعی شـد: «حالا همه دنیا می‌گوید که دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران موفق بوده است، خود آقای ترامپ می‌گوید که من دو دقیقه مصاحبه وزیر خارجه ایران را دیدم و معتقدم هیئت آمریکایی از عهده مذاکره با او برنمی‌آید. همان آقای ترامپ که گفته است ۷تریلیون دلار در منطقه خرج کردیم و شکست خوردیم، همان‌طور هم گفته است که برجام یک کلاه بزرگ بر سر آمریکا بود. چرا ما یک قسمت سخن او را می‌پذیریم اما قسمت دیگر صحبتش را دروغ می‌دانیم. بررسی کنید و ببینید همه دنیا دارد می‌گوید ایران در برجام موفق شد.»

وزیر امور خارجه مطمئن هستند که برجام یک کلاه بزرگ بر سر آمریکا بود؟ اگر توافق هسته‌ای به ضرر آمریکا بوده، چطور ترامپ خواهان دائمی‌شدن محدودیت‌های هسته‌ای ایران و حذف بند غروب برجام است؟

یادتان هست؟!

وزیر امور خارجه ادامه می‌دهد: «مشکل دیگر دوستان ما این است که نمی‌خواهند راستی‌آزمایی حرف‌های خودشـان را بپذیرند. گفتند که آقای ترامپ به هیچ وجه از برجام خارج نمی‌شود، وقتی که از برجام خارج شـد، گفتند به این دلیل خارج شد که آقای دکتر روحانی فلان جمله را در مشهد گفت. آقا! بپذیرید که تحلیل شـما اشـتباه بوده است. تقریباً هر تحلیلی که درباره موضوع هسته‌ای داشتند، اشتباه بوده است.»

با دستاورد هیچ برجام برای ایران و در مقابل، امتیازات گسـترده آمریکا و غرب در آن و تبدیل شدن توافق هسته‌ای به اهرم فشار، بدیهی بود که پیش‌بینی شود آمریکا از برجام به‌عنوان یک سند طلایی برای آنها خارج نشود اما وقتی آمریکا با پالس ادامه برجام با اروپا از سوی رئیس جمهور اطمینان پیدا کرد که در صورت خروجش از توافق هسته‌ای، ایران کماکان به اجرای محدودیت‌ها و تعهداتش ادامـه می‌دهد، چرا باید زیر بار تعهدات خود باقی بماند؟ در نظر نگرفتن این فاکتور در خروج آمریکا از برجام، خطا در تحلیل است. پیش‌بینی کیهان به این سبب بود. ظریف چه دلیلی داشت که با قطعیت از عدم خروج آمریکا از برجام می‌گفت؟! یا عراقچی که گفته بود: «اگر خروج از برجام هزینه نداشت ترامپ تاکنـون این کار را کرده بود!» آیا ظریف فراموش کـرده که ۱۲ مرداد ۹۴ در پاسـخ به فواد ایزدی گفته بود: «می‌گویند رئیس‌جمهور بعدی [آمریکا] می‌خواهـد با یک امضا تحریم‌ها را برگرداند، خب برگرداند، چه کسی در دنیا اجرا می‌کند؟ نمی‌تواند این کار رو بکند، قاعده حقوقی دارد، من به شـما اطمینان می‌دهم، تام کاتن این را گفت، جوابش را که دادم، همه زیر توییتش نوشـتند، برو پولت را از هـاروارد پس بگیر، خوب حقوق یادت ندادند!» رئیس دستگاه دیپلماسـی در حالی مدعی است که «تقریباً هر تحلیلی که درباره موضوع هسته‌ای داشتند، اشتباه بوده است» که خود امروز به همان پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌ها رسیده است.

گزارش خبری تحلیلی کیهان

فریب فرانسه را نخورید، اگر تعهد داشت زیر برجام نمی‌زد

بقیه از صفحه ۲

۴. ماکرون چند روز پیش در نشست خبری مشترک با ترامپ در اظهاراتی خصمانـه و با ادبیاتی تحقیرآمیز علیه ملـت ایران گفت: «ما می‌خواهیم یک توافق هسـته‌ای جدید با ایران منعقد کنیم. ما باید به توافقی گسترده‌تر برای تأمین خواسته‌های امنیتی خود دست‌یابیم» و «با ترامپ موافقم که ایران باید به تعهدات خود در برجام پایبند باشـد». رئیس‌جمهور فرانسه در ادامه مدعی شد: «اکنون هدف اصلی ما این است که اجازه ندهیم ایران به سلاح هسته‌ای دسـت پیدا کند» و «رئیس‌جمهور ترامپ صراحتاً اعلام کرده اسـت که ما به توافقی طولانی‌تر نیاز داریم که به ما اجازه دهد بر سایت‌های هسته‌ای بیشتری در ایران نظارت کنیم.»!

۵. درخصوص هماهنگی میان فرانسـه و آمریکا لازم به یادآوری است که در اوایل خرداد ماه سال جاری، ماکرون در کنفرانس خبری مشترک با ترامپ گفت: «فکر می‌کنم ما قطعاً اهداف یکسـانی در قبال ایران داریم. چه کارهایی مدنظرمان است که انجام دهیم؟ اول، می‌خواهیم مطمئن شویم آنها به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کنند، منظورم این است تا سال ۲۰۲۵ ابزاری در اختیار داریم، می‌خواهیم از آن فراتر برویم و به اطمینان کامل در درازمدت دست پیدا کنیم.» ماکرون اضافه کرد: «دوم، ما می‌خواهیم فعالیت آنها در زمینه موشک‌های بالستیک را کاهش دهیم. سوم، می‌خواهیم فعالیت منطقه‌ای آنها را مهار کنیم.» رئیس‌جمهور فرانسه برقراری صلح در منطقه را چهارمین هدف مشترک واشنگتن و پاریس خواند و گفت: «بنابراین، ما باید با یکدیگر این چهار هدف را محقق کنیم.»

ماکـرون در ادامـه اذعان کرد آمریکا و کشـورهای اروپایی در قبال ایران «وحدت راهبردی» دارند و از لحاظ روش‌های محقق‌کردن اهداف خود در قبال ایران اختلاف دارند.

۶. ذکر این نکته ضروری است که اقدامات دیگر فرانسه در مراودات دیپلماتیک با جمهوری اسلامی که از موضع گستاخانه و متکبرانه بوده است را نباید از یاد برد. مهر ماه سال گذشته بود که رسانه‌ها از «اخراج یک دیپلمات ایرانی از فرانسه» خبر دادند. بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه در نشست خبری مهر ماه ۹۷، در پاسخ به سؤالی در این خصوص، این خبر را تکذیب نکرد و گفت: «ایران در مقابل اقدام ناپسند از جانب دیگر کشورها چه نسبت به دیپلمات‌ها و چه سایر موضوعات با درایت و فهم شرایط عکس‌العمل لازم و متقابل را داشته و خواهد داشت» و «نه بحث پنهان نگه‌داشتن و نه سکوت و نه نادیده انگاشتن موازین بین‌المللی وجود ندارد. در مواقع لازم اقدام متناسب انجام می‌شود»؛ موضوعی که اتفاقاً پنهان ماند و اتفاقاً اقدام متقابلی هم صورت نگرفت!

۷. همچنین از دیگر موارد که حاکی از نیت‌های شوم فرانسوی‌هاست، اظهارات خصمانه وزیر خارجه سابق فرانسه است که در سال ۹۵ و در ضیافت شام سفارت فرانسه در تهران گذشت. ژان مارک آیرو، وزیر خارجه فرانسه در رأس یک هیئت اقتصادی ۶۰ نفره وارد تهران شد و در ضیافت شامی که در سفارت فرانسه و به افتخار او و تجار همراهش از سوی سفیر فرانسه برگزار شده بود، شرکت کرد. در میانه میهمانی و پس از سخنرانی آیرو، یکی از تجار فرانسوی وی را مورد خطاب قرار داد و پرسید: «جناب وزیر چرا سفر به تهران دقیقاً در روزی انجام شد که فرانسـه به همراه انگلیس و آمریکا در خلیج فارس و در نزدیکی آب‌های ایران مانور نظامی که طبیعتاً پیام‌های خاصی دارد، برگزار کرده‌اند؟ آیا فکر نمی‌کنید این مسئله روی روابط تجاری ما با ایران تأثیر بگذارد و نتوانیم در این سفر قرارداد خاصی منعقد کنیم؟ شما از واکنش مقامات ایرانی نگران نیستید؟» وزیر خارجه فرانسه در پاسخ می‌گوید: «خیر، بنده هیچ نگرانی نسبت به موفقیت‌آمیز بودن این سفر ندارم. مقامات ایرانی در هیچ یک از جلسات مقدماتی و برنامه‌ریزی برای سفر در تهران و پاریس به این مسئله معترض نشدند. دولت ایران به این سفرها احتیاج دارد و مطمئنم که هیچ اعتراضی در جلسات فردا هم نخواهیم شنید.»

۸. نکته دیگری که هرگز نباید از یاد برد، نقش دوگانه فرانسه از آغاز برجام (پلیس بد) تاکنون (پلیس خوب) است که اتفاقاً خود ماکرون در نشست خبری هفته گذشته خود با ترامپ به آن اذعان کرد و گفت: «توافق هسته‌ای کاستی‌هایی داشت و مذاکره‌کنندگان فرانسوی نیز در آن زمان برای امضای برجام بیش از دیگران سـختگیری می‌کردند. فرانسه بیش از سایر طرف‌های برجام در مورد آن تردید داشت.»؛ به‌طوریکه بیشتر قطعنامه‌های سنگین شورای امنیت مانند قطعنامه ۱۸۰۳ (که برای اولین‌بار تحریم‌های اقتصادی علیه ایران وضع شـد) از سوی فرانسه و انگلیس پیشنهاد می‌شد. همین فرانسوی‌ها بودند که در سال ۸۸ در همنوایی با آمریکا و انگلیس، ایران را متهم به ساخت مخفیانه یک مرکز زیرزمینی غنی‌سازی و نهان از دید بازرسان آژانس متهم کردند و باعث شدند که در مهر ماه ۸۸، قطعنامه‌ای در شورای حکام علیه تأسیسات فردو صادر شود. همین فرانسـوی‌ها بودند که در کلوپ هسته‌ای لندن و گروه وین با کارشکنی علیه جمهوری اسلامی از صادرات هرگونه فناوری هسته‌ای به ایران جلوگیری کردند و از این دسـت مثال‌ها و موارد بسیاری که نشان می‌دهد فرانسه‌ای که امروز نقش پلیس خوب را بازی می‌کند، سـال‌ها در نقش کاتالیزور، پیاده‌نظام آمریکا بوده است.

درخصوص شگردهای موذیانه اروپایی‌ها لازم به یادآوری است که در دولت دوم اصلاحات نیز از یک منظر (نوع مواجهه با آمریکا و اروپا) شاهد وضعیتی مشابه شرایط کنونی بودیم؛ در اوایل دهه ۸۰ وقتی که آمریکا سعی می‌کرد عملیات روانی و تبلیغی، صنایع هسته‌ای جمهوری اسلامی را به‌عنوان یک تهدید در جامعه جهانی قلمداد کند، تحلیل دولتمردان این بود که ضمن دوری جستن از ورود پرونده به شورای امنیت و همکاری کامل و مستمر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، مذاکره با سه کشور اروپایی (انگلیس، فرانسه و آلمان) در دستور کار قرار گیرد.

حسن روحانی که آن‌زمان دبیر شورای عالی امنیت ملی کشور بود، پیرامون انتخاب سـه کشور می‌نویسد: «ایران مذاکره با آمریکا را مطلوب و به مصلحت نمی‌دید... اروپا نیز از آن‌جهت که مخالف دستیابی ایران به توانمندی هسته‌ای بود گزینه مناسبی نبود اما شکافی که در مسئله عراق بین اروپا و آمریکا بروز کرده بود و عدم تمایل فرانسـه و آلمان به تکرار ماجرای عراق و منطقه، روزنه‌ای ولو محدود برای رویکرد سیاسی را فراهم نمود. اتفاقاً سه کشور هم همین اندیشه را دنبال می‌کردند و با ارسال نامه‌ای از طرف سه وزیر، در این امر پیش‌قدم شدند» اما نتیجه این توهم که «اروپا و آمریکا اختلاف دارند» و «می‌شود با اروپایی‌ها کار کرد» این شد که تمامی فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی و حتی فراتر از آن برای بیش از ۲ سال و نیم تعلیق شد! و بیش از ۱۷۰۰ نفر نیز از سوی آژانس بین‌المللی هسته‌ای به بازرسی از تأسیسات و فعالیت‌های هسته‌ای پرداختند. پروتکل الحاقی هم برای بیش از ۲ سال و نیم به‌صورت داوطلبانه اجرا و به تمامی موارد و تأسیسات هسته‌ای دسترسی کامل و نامحدود اعطا شد!

بعدها، علی لاریجانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی ایران در تحلیلی از دیپلماسی و مذاکرات هسته‌ای اروپایی‌ها به فریب اروپایی‌ها اشاره کرد و گفت: «اروپایی‌ها تا دو سال پیش مطرح کردند اگر ایران فقط پروتکل الحاقی را امضا کند مانعی بر سر راه فعالیت‌های هسته‌ای وجود نخواهد داشت اما آنها عملاً در بیانیـه پاریس تلاش کردند با تعلیق تمامی فعالیت‌های اتمی ایران، حق ملت ایران را در داشتن فناوری هسته‌ای نادیده بگیرند» و «مراحل تعلیق در سعدآباد و بروکسل و پاریس در مجموع حاکی از اجرای تدریجی دکترین چیدن است. راهبرد غرب در برابر برنامه هسته‌ای ایران محدودسازی قدرت و شکستن اقتدار خارجی ملت ایران را دنبال می‌کند.»

اکنون نیز فرانسه که باید به دلیل عدم انجام تعهدات برجامی و همکاری و همراهی با آمریکا، در معرض سؤال و اتهام باشد نقش میانجی به خود گرفته و متأسفانه دستگاه دیپلماسی کشورمان به جای اتخاذ مواضع تهاجمی، رویه‌ای انفعالی در پیش گرفته و نادانسته و ناخواسته، بستر گستاخی و تحقیر آنها علیه جمهوری اسلامی را فراهم آورده است چه آنکه تشدید توهین و گستاخی طرف غربی به‌ویژه اظهارات توهین‌آمیز ماکرون و ترامپ در نشسـت خبری مشترک هفته گذشته، نتیجه همین سفر اخیر و نابجای ظریف به فرانسه و خوش‌بینی دولتمردان به وعده کذایی تزریق پول به اینستکس بود.

در پایان و بنا بر آنچه در گزارش فوق آمد، انتظار می‌رود دستگاه دیپلماسی کشورمان با درس گرفتن از تجربیات گذشته و شناخت واقعیت‌های میدان به جای کاهش سطح تعهدات، تحقق ۱۱ تعهد اروپایی‌ها در برجام را مطالبه کنند نه اینکه خیال آنها را راحت کنند و بگویند گام سـوم هم مانند دیگر مراحل اقدامی قابل بازگشت خواهد بود!